



## روابط طاهریان و خاندان عجلی

خاندان **عجلی** از سال ۱۸۵ تا ۲۸۵ق بر ناحیه "**کرج**" فرمانروایی می‌کردند و این ناحیه در سده‌های نخستین اسلامی جز ولایت "پهله" یا "ایالت جبال" در **غرب اصفهان** و **شرق همدان** واقع در "سلطان آباد" یا "**اراک**" کنونی است.

### فهرست مندرجات

- ۱ - سکونت در کرج
- ۲ - روابط طاهریان و ابودلفیان
  - ۲.۱ - ملیت ایرانی
  - ۲.۲ - همکاری با دعوت عباسی
  - ۲.۳ - سرگذشت ابودلف نسبت به مامون
  - ۲.۴ - مبارزه با دیلمیان و خرمنیان
  - ۲.۵ - علاقه به تشیع
  - ۲.۶ - علاقه به شعر و شاعری
  - ۲.۷ - مکاتبت ابودلفیان و طاهریان

۳ - پانویس

۴ - منبع

### سکونت در کرج

به گفته جغرافیدانان **کرج** را "ابودلف قاسم بن عجلی" آباد کرده است و پدرش "عیسی" آن جا را **موطن** خود کرده و از آن خود کرده‌اند. به طوری که برای تمایز این سرزمین آن را کرج ابودلف می‌نامند. "**ابن فقیه همدانی**" می‌گوید: «آن گاه **عیسی بن ادریس** در کرج فرود آمد و بر آن جا چیره گشت و دژ آن جا را بساخت کار و بار ابودلف نیرو گرفت و در نزد حکومت پایگاه بزرگ یافت... آن جا را کرج نامید که کرج ابودلف گفتند».

[۱] المسعودی، ابو الحسن علی بن الحسین بن علی، مروج الذهب، ترجمه مسعود، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، ص ۹۷.

ابودلف که مؤسس اصلی **حکومت ابودلفیان** بود با چهار خلیفه **هارون**، **امین**، **مامون** و **معتمد** هم‌زمان بوده است. این خاندان تا دوران **معتمد** در پایگاه خود کرج حکومت می‌کردند. در زمان خلیفه معتمد بر افتادند و این اتفاق جز واقعی بود که **عباسیان** از آن احساس خرسندی کردند: «از جمله فتوح درخشانی که روی داد براندازی خاندان عبدالعزیز بن ابی دلف در ناحیه جبال بود. چندان که **ریشه** ایشان را بر کند و **حریم** آنان را **میاج** دانست».

[۲] ابن فقیه، مختصر البلدان، مترجم مسعود، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، ص ۵۳.

### روابط طاهریان و ابودلفیان

خاندان ابودلف عجلی از سال ۱۸۵ تا ۲۸۵ حکومت کردند. **طاهریان** نیز از سال ۲۰۵ تا ۲۵۹ در **خراسان امارت** داشتند. در واقع ابودلفیان قبل از طاهریان به حکومت رسیده و بعد از آن‌ها نیز همچنان در کرج ابودلف حکم فرمایی می‌کردند. مشترکات میان آن‌ها به چند مورد خلاصه می‌شود:

#### ← ملیت ایرانی

طاهریان که به طریق موالات به **قبیله خزاعه** می‌شدند. ابودلفیان نیز به گفته "**خطیب بغدادی**" نیز از تیره عجلی خزاعی می‌باشند. در واقع خاندان عجلی کرجی در تبار و نیای خود با خاندان طاهری خزاعی **خراسان** خویشاوند بودند، هر چند آن‌ها از موالیان **قبیله خزاعه** باشند. ابودلفیان خود شاعرانی زبردست بودند و طاهریان را نیز از خاندان خود دانسته و آن‌ها را نیز شاعرانی هنرمندتر از خود می‌دانستند. یک روز مامون از ابودلف می‌پرسد که خزاعین چه کسانی را از میان خود **شاعر** می‌دانند. وی از میان موالیان آن قبیله خاندان طاهری (طاهر و عبدالله) پسرش را نام می‌برد. این نشان می‌دهد که ابودلف طاهریان را از قبیله خود؛ یعنی خزاعه می‌داند.

در گزارش‌های مربوط به طاهر بن حسین آغاز همراهی او را با عباسیان در همکاری او با **دعت** عباسی آورده‌اند. حال آن‌که در ابودلفین تربیت‌کننده و پرورش‌دهنده یکی از دعت برجسته عباسی؛ یعنی **ابومسلم** بوده‌اند. **طبری** و **ابن اثیر** آورده‌اند: **ابومسلم خراسانی** از بندگان "عیسی بن مغل" نیای ابودلف بود. [۱۳] ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱، ص ۳۲۲۱.

#### ← سرگذشت ابودلف نسبت به مامون

در دعوی میان امین و مامون ابودلف جز سپاهیان امین است و بعد از این که طاهر او را دعوت می‌کند تا به او و مامون بپیوند می‌گوید من با کسی نیستم. در واقع ابودلف یکی از سران **سپاه** امین بود که با علی بن عیسی به جنگ طاهر بن-الحسین کمر بسته بود. چون علی کشته شد ابودلف به **همدان** برگشت. طاهر به وی نامه نوشت و او را به متابعت و بیعت مامون دعوت کرد، او نپذیرفت و گفت: «بیعت دیگری (که امین باشد) در گردن من است و من راهی برای نقض و **فسخ** آن نمی‌یابم؛ ولی من در جای خود خواهم ماند تا ببینم کدام یک از طرفین غالب شود. آن هم اگر تو با من نستیزی.» طاهر از او منصرف و ساکت شد و بی طرفی او را پسندید. او در کرج ماند. [۱۴] ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۱. اما بعد از اینکه در این **نزاع** طاهر و خلیفه مورد نظرش مامون پیروز می‌شود. مامون به ابی دلف نامه نوشت و او را نزد خود خواند او **شتب** کرد؛ ولی سخت **بیمناک** بود. **خویشان** و **اقوام** او به او گفتند: تو یگانه رئیس و سالار بزرگوار **عرب** هستی و تمام عرب نسبت به تو مطیع هستند، اگر **صلاح** بدانی این جا بمان و ما از تو **دفاع** خواهیم کرد. او قبول نکرد رفت و این شعر را گفت: اجود بنفسی دون قومی دافعا لما نابهم قنما و اغشی الدواهیا و اقتحم الا الامر المخوف اقتحامه لادرک مجدا او اعاود ثاویا یعنی من نفس خویش را تقدیم می‌کنم (می‌بخشم) که از قوم خود **دفاع** کرده باشم (آن‌ها را از جانبازی و **کشتن** بی نیاز کنم) از آن‌ها دفاع می‌کنم از آن چه پیش ازین بر آن‌ها نازل شده و من خود را دچار بلیت و پیش آمدها می‌کنم. [۱۵] ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۲.

#### ← مبارزه با دیلمیان و خرمیان

عباسیان که از همان آغاز خلافت با قیام‌های **دیلمیان** و **خرمیان** روبرو بوده‌اند، در این جنگ‌ها ابودلف عجلی برای حمایت و پشتیبانی از عباسیان به **جنگ** این گروه‌ها رفته و دلاوری‌های بسیاری از خود نشان داده‌اند. اساسا خلفای عباسی هر کسی را که به وی یاری می‌فرستادند، مهم‌ترین وظیفه‌شان جنگ با دیلمیان بود. ابودلف در زمان مامون با دیلمیان جنگید و در **خلافت** معتصم دژهایی از آنان را گشود من جمله دژ "بومج" و "اقلیسم" که مردم آن جا بر خراج دهی مصالحه کردند. [۱۶] کسروی، شهریاران گمنام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۵، ص ۱۴.

ابودلفین در سرکوب "بابک خرمین" به طاهر یاری رسانید تا این که در زمان معتصم او را دستگیر و کشتند. تاریخ نویسان آورده‌اند که دعوت بطینیان در روزگار مامون آشکار شد و در روزگار معتصم بالا گرفت و افشین یکی از سران سپاه معتصم نیز به آن‌ها گروید. بابک که در این زمان نیرو گرفته، توانسته بود سپاهیان معتصم را شکست دهد. سرانجام ابودلف عجلی و سرکردگان دستگاه "**عبدالله بن طاهر**" گرد آمدند و بابک خرمی را شکست دادند و او را گرفته و در "سر من رای" به سال ۲۲۳ به دار کشیدند. "**بیهقی**" نزاع و کشمش میان ابودلف و افشین و به **اسارت** گرفتن او را مفصلا شرح داده است. [۱۷] بیهقی، ظهرالدین، تاریخ بیهقی، ترجمه جعفر یاحقی، تهران، سخن، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲-۱۶۷. "ابن اثیر" نیز یکی از دلایل گرفتاری افشین را دشمنی ابودلف با او دانسته است: «ابودلف عجلی که نام او قاسم بن عیسی بود **وفت** یافت. از بزرگترین سالاران **عرب** و از **شیعیان** **دلیز** و **کریم** و **بخشیده** بود که در یکی از وقایع دو سوار را با یک نیزه دوخت. وقایع او مشهور بود و یکی از علل گرفتاری افشین دشمنی او بود.» [۱۸] ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۱۵۸.

#### ← علاقه به تشیع

همان گونه که برخی از مورخان عقیده به **تشیع** طاهر داشتند و او را از ارادتمندان **اهل بیت** می‌دانند از علاقه ابودلف به شیعیان و **علویان** نیز **روایت** زیادی به چشم می‌خورد. روایتی که در "**مجالس المومنین**" **قاضی نورالله شوشتری** و نیز "**وفیات الاعیان**" آمده است. در این روایت دشمنی ابودلف با پسرش دلف را در حمایت از **علی (علیه‌السلام)** و خاندان علی (علیه‌السلام) می‌بینیم. هر چند ابودلف دوستدار و **محب** این خاندان است پسرش **دشمن** سرسخت **اهل بیت** است تا جایی که پدر از او **تیری** جسته و او را حرامزاده می‌نامد. دشمنی دلف با پدرش به سبب این که تشیع و علی دوستی بر پدر چیره بود چندان شد که پس از درگذشت پدر او را تشیع می‌کند. [۱۹] المسعودی، ابو الحسن علی بن الحسن بن علی، مروج الذهب، ترجمه مسعودی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، ج ۴، ص ۶۳-۶۲.

#### ← علاقه به شعر و شاعری

یکی از دلایل نزدیکی این دو خاندان علاقه هر دو خاندان به **شعر** و شاعری و نیز دعوت از شاعران دربار یکدیگر به دربار خود می‌باشد. از جمله "**یاقوت حموی**" روایت دعوت ابودلفین از یکی از شاعران زمان را می‌آورد. گرچه این **شاعر** از قبول این دعوت خودداری می‌کند و می‌گوید: من در کنار مردی هستم که محتاج نمی‌کند، مرا از بخشش هیچ کس [۲۰] ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم، عالم الکتب، بیروت، ۱۹۸۵، ص ۲۳۵. و شاعر معروف "**عکوک**" که قصیده معروف "**ابودلف دنیا**" را سروده بود به دربار طاهرین نیز بار یافته بود عبدالله بخشش‌های زیادی به او کرده بود تا **دنیا** در نظر او فقط ابودلف نباشد. [۲۱] اکبری، امیر، تاریخ حکومت طاهریان، سمت، ۱۳۸۴، تهران، ص ۳۵۹.

این دو خاندان مکاتبات بسیاری نیز با هم داشتند. یکی از این نامه‌ها مربوط به نامه تسلی بخشی است. عبدالله بن طاهر به ابودلف نوشته است و او را در **مرگ** یکی از بستگانش **تعبیرت** گفته و ابودلف پاسخ آن را چنین داده است: «اگر چه مصیبت جلوه گر شده؛ اما از آن چه **خداوند** مرا کرم فرمود یکی رای جمیل آن امیر است و **فضل** عنایت و ابراز مرحمت وی در نامه هایش به من است که همه مردمان دانستند و چه زود عوض آن چه از دست رفت بدین مرحامه فرا آمد».

**[۱۲]** [ابن قتیبه، دینوری، عیون الاخبار، دار لافکر، بی تا، ص ۵۵.](#)

روابط طاهریان و ابودلفیان تا آخر حکومت طاهریان ادامه داشته است. هنگامی که حسین بن طاهر به عبدالله از طرف برادرش به وایگیری **نیشابور** گماشته شده بود وقتی می‌خواست به نیشابور بیاید از کمک‌های مالی این خاندان بهره گرفت و بی مال و مردان روی به نیشابور نهاد و به **اصفهان** که حاکم آن جا "دلف بن عبدالعزیز" بود درآمد و در کار خود درماند که آیا با وجود پریشانی حال حرکت کند یا بازگردد در این هنگام "کوشاد بن شاه مروان" به یاری او برخاست و دلف را وادار کرده که به حسین بن طاهر کمک کند تا آن که حسین به همراهی کوشاد بیرون شد و روز دوشنبه هفت روز مانده از **صفر** سال ۲۶۳ ماه مهر به نیشابور رسید.

**[۱۳]** [اصفهانی، حمزه بن حسن، تاریخ سنی ملوک و الارض و الانبیا، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۲۸۰.](#)

## پانویس

۱. [↑](#) [المسعودی، ابو الحسن علی بن الحسین بن علی، مروج الذهب، ترجمه مسعود، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، ص ۹۷.](#)
۲. [↑](#) [ابن قتیبه، مختصر البلدان، مترجم مسعود، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، ص ۵۳.](#)
۳. [↑](#) [ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن، الكامل، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱، ص ۳۲۲۱.](#)
۴. [↑](#) [ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن، الكامل، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۱.](#)
۵. [↑](#) [ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن، الكامل، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۲.](#)
۶. [↑](#) [کسروی، شهریاران گمنام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۵، ص ۱۴.](#)
۷. [↑](#) [بیهقی، ظهردین، تاریخ بیهقی، ترجمه جعفر یاحقی، تهران، سخن، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲-۱۶۷.](#)
۸. [↑](#) [ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن، الكامل، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۱۵۸.](#)
۹. [↑](#) [المسعودی، ابو الحسن علی بن الحسین بن علی، مروج الذهب، ترجمه مسعود، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، ج ۴، ص ۶۳-۶۲.](#)
۱۰. [↑](#) [ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم، عالم الکتب، بیروت، ۱۹۸۵، ص ۲۳۵.](#)
۱۱. [↑](#) [اکبری، امیر، تاریخ حکومت طاهریان، سمت، ۱۳۸۴، تهران، ص ۳۵۹.](#)
۱۲. [↑](#) [ابن قتیبه، دینوری، عیون الاخبار، دار لافکر، بی تا، ص ۵۵.](#)
۱۳. [↑](#) [اصفهانی، حمزه بن حسن، تاریخ سنی ملوک و الارض و الانبیا، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۲۸۰.](#)

## منبع

[سایت پژو و هه، برگرفته از مقاله «روابط طاهریان و خاندان عجمی»، تاریخ بازبینی ۹۵/۱/۲۸.](#)

رده‌های این صفحه: [تاریخ خلفا](#) | [تراجم](#) | [طاهریان](#) | [عباسیان](#) | [کارگران خلفای عباسی](#) | [مقالات پژو و هه](#)